

مسکن روستایی در الجزایر

دکتر اکبر زرگر

شرایط سکونتگاه‌های روستایی در الجزایر پیش از استقلال این کشور و همچنین سیاست‌ها و برنامه‌هایی که پس از استقلال از فرانسه به اجرا در آمده است مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقاله بخصوص تجربه ویژه روستاهای سوسیالیستی (SOCIALIST VILLAGES) را که در زمره مهمترین برنامه‌های دولت الجزایر پس از پیروزی انقلاب بوده است مورد بررسی قرار می‌دهد و مشکلات و کاستی‌هایی را که عملاً به توقف این برنامه در الجزایر منجر شده، معرفی می‌کند.

پیشگفتار:

ایجاد یک هزار روستای سوسیالیستی در الجزایر مهمترین برنامه مسکن روستایی بود که به عنوان بخشی از برنامه اصلاحات ارضی و انقلابی الجزایر طراحی و به اجرا گذاشته شد. اهداف اصلی این برنامه، توسعه بخش کشاورزی و مدرنیزه کردن آن، بهبود کیفیت و سطح زندگی روستاییان و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها بود.

در حالی که یک هزار روستای مورد نظر هیچگاه ایجاد نشدند، عملاً در کمتر از پانزده سال از آغاز برنامه، کاستی‌ها و مشکلات عدیده آن به تدریج بروز کرد به نحوی که عملاً به تعطیل این برنامه انجامید. مقاله حاضر به بررسی سرنوشت روستاهای مذکور و تحلیل‌هایی که از نقاط ضعف و قوت آن نوشته‌اند می‌پردازد.

«مسکن روستایی در الجزایر» عنوان رساله آقای علی منصوری دانشجوی الجزایری انستیتو معماری دانشگاه یورک انگلستان بود که در زمان تهیه آن کمابیش با او آشنایی داشتم. نامبرده در سال ۱۹۸۷ رساله مذکور را برای گذراندن مقطع دو ساله MPHIL تهیه و تحویل داد که مورد قبول نیز واقع شد. رساله مذکور بالغ بر سیصد صفحه است و فصل‌های متعددی شامل اوضاع اقتصادی و اجتماعی الجزایر قبل و بعد از انقلاب، ترکیب جمعیت، موقعیت بخش روستایی کشور و همچنین مطالعات موردی مختلفی از روستاهای سوسیالیستی دارد.

به نظر رسید برداشت مختصری از رساله مذکور در قالب یک مقاله برای همکاران معمار و دانشجویان معماری مفید واقع شود، بنابراین اقدام به ترجمه و تلخیص بخش‌هایی از رساله مذکور کردم. به منظور اطمینان بیشتر از صحت و سقم اظهار نظر‌ها مقالة نسبتاً مفصل ساتن کیت (SUTTON)

بازار اصلی: آمریکا ۲۸٪، فرانسه ۱۳٪، آلمان ۱۲٪،
ایتالیا ۶٪، هلند ۵٪
کمک‌های خارجی (۱۹۸۵): ۱۹۱/۸ میلیون دلار.
منبع کمک: ۸۲٪ OECD، ۷٪ EEC، ۵٪ OPEC،
۷٪ CMEA

برخی از تاریخ‌های مهم:

۱۸۳۰: حمله لشکر فرانسه.
۱۸۷۳: تصمیم دولت فرانسه برای مصادره زمین به نفع فرانسوی‌ها.
۱۹۲۵: چهل و پنجاهار الجزایری در آشوب خودجوش علیه فرانسویها کشته شدند.
۱۹۵۴: شروع مبارزات مسلحانه و درگیری‌ها توسط جبهه ملی آزادیبخش (FLN).
۱۹۶۲: آتش بس توسط ژنرال دوگل به امضا رسید که طی آن با انتخابات آزاد در الجزایر موافقت کرد.
۱۹۶۲: اعلام استقلال، مجمع قانون اساسی انتخاب شده. احمد بن بلا به عنوان رئیس دولت تعیین گردیده شصدهزار فرانسوی خاک الجزایر را ترک کردند در حالی که هرچه را می‌توانستند با خود بردند.
۱۹۶۵: بحران‌های سیاسی داخلی، شورای انقلاب به رهبری هواری بومدین قدرت را در دست گرفت. الجزایر خود را به عنوان رهبر کشورهای غیرمتعهد تلقی می‌کند و به انقلابی‌های افریقا و امریکای لاتین پناهندگی سیاسی می‌دهد.
۱۹۶۷: اولین انتخابات محلی.
۱۹۷۱: ملی کردن صنایع پتروشیمی.
۱۹۷۶: بومدین به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد (مرگ ۱۹۷۸)، و به دنبال او سزالی بن جدید.
۱۹۷۹: اصلاحات سیاسی با هدف مبارزه با بوروکراسی و فساد اداری، و از جمله برداشتن محدودیت مسکن خصوصی.
۱۹۸۶: قانون اساسی جدید به تصویب رسید. این بار اصول سوسیالیستی از آن حذف شد و به جای آن اسلام و فرهنگ عربی - اسلامی مورد تأکید قرار گرفت.

قرار گرفته‌اند و ویژگی‌های معماری آن‌ها توصیف شده و نهایتاً به جمع‌بندی مسایل و مشکلاتی که در باره نمونه‌های اجرا شده دیده شده پرداخته ایم. اشاره به این نکته نیز ضرورت دارد که اساساً لحن حاکم در هر سه منبع مورد مطالعه انتقاد نسبت به کل حرکت روستاهای سوسیالیستی است. بعید نیست که در بررسی‌های جامع‌تر نکات و زمینه‌های موفق نیز وجود داشته باشد که از نظر دور مانده است.

ویژگی‌های سرزمینی الجزایر:

وسعت کشور: ۲۳۸۱۷۴۱ کیلومتر مربع.
جمعیت (۱۹۸۶): ۲۲/۴۲ میلیون نفر.
تراکم جمعیت: ۹ نفر در کیلومتر مربع.
نیروی کار: ۴۸۳۴۰۰۰ نفر، ۲۴٪ در کشاورزی.
نرخ شهرنشینی: ۶۷٪
پایتخت: الجزیره، جمعیت سال (۱۹۸۳): ۱۷۲۱۶۰۰ نفر
نرخ متوسط رشد جمعیت (۸۱-۱۹۷۳): ۳/۱٪
متوسط عمر: ۵۸/۸ سال برای مردان و ۶۰/۹ سال برای زنان.
مرگ و میر نوزادان: ۸/۲٪
نرخ بیسوادی: ۵۵/۳٪
دین: اسلام
زبان: عربی (رسمی)، بربر در بعضی از مناطق، فرانسوی نیز می‌دانند.
هزینه آموزشی (۱۹۸۴): ۲۴/۳٪ بودجه.
هزینه‌های نظامی: ۴٪ کل بودجه.
صادرات اصلی: نفت خام ۴۳٪، تولیدات نفتی ۳۱٪، گاز ۲۴٪

KEITH) را که در سال ۱۹۸۲ منتشر شده بود نیز مطالعه کردم که البته بخش عمده‌ای از اطلاعات رساله آقای منصورى نقل قول از مقاله مذکور است. علاوه بر آن‌ها به منبع جدیدی در باره موضوع مذکور نیز برخوردم که در سال ۱۹۹۰ در کتاب سیاست‌های مسکن در کشورهای سوسیالیستی جهان سوّم توسط جعفر لیب (DJAFFAR LESBET) نوشته و به عنوان فصلی از کتاب مذکور به چاپ رسیده است.

در مجموع، مضمون مقاله اخیر با آنچه که ساتن و سا منصورى در باره الجزایر و روستاهای سوسیالیستی نوشته‌اند مغایرت خاصی ندارد و به ندرت بین ارقام با برداشت‌ها ناهماهنگی دیده می‌شود.

مقاله حاضر به این ترتیب برداشتی است آزاد و ترجمه همزمان از رساله منصورى و دو منبع دیگر که جزئیات آن‌ها در بخش کتاب‌شناسی آمده است.

در این مقاله ضمن اشاره به اوضاع سیاسی و اجتماعی الجزایر در دوران نزدیک به استقلال، به موقعیت مسکن در مقطع پس از انقلاب و جایگاه بخش کشاورزی اشاره شده است. سپس به طور خاص، روستاهای سوسیالیستی مورد بحث و بررسی

اوضاع سیاسی و اجتماعی الجزایر پیش از استقلال

الجزایر یکی از بزرگترین کشورهای آفریقایی است که وسعتی بالغ بر ۲/۳ میلیون کیلومتر مربع دارد. اکثریت جمعیت این کشور در مناطق زرخیز شمالی و در حاشیه جنوبی دریای مدیترانه زندگی می‌کنند. حدود ۸۵٪ از سطح کشور را بیابان‌های تقریباً خالی از سکنه تشکیل می‌دهد.

الجزایر از سال ۱۸۳۰ به مدت یکصدوسی و دو سال یعنی تا سال ۱۹۶۲ مستعمره دولت فرانسه بود. در سال ۱۹۵۴ حدود ۱۱٪ از جمعیت کشور را اروپایی‌ها تشکیل می‌دادند، این عده بالغ بر یک چهارم زمین‌های قابل کشت را در اختیار داشتند.

حضور طولانی استعمارگران در این کشور، ساختار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی - ملی آن را به کلی مضمحل و در جهت اهداف و منافع کشور سلطه‌گر شکل داده بود.

در شهر الجزیره پایتخت الجزایر در سال ۱۹۵۴ همزمان با آغاز جنگ‌های استقلال طلبانه، جمعیت شهر ۳۰٪ الجزایری و بقیه خارجی بودند. از ساکنین الجزایری شهر در این زمان ۴۱/۵٪ در زاغه‌ها و آلوئک‌ها زندگی می‌کردند. در حالی که الجزایری‌ها نه دهم جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند ولی خصوصاً در شهرها حضور بسیار کم رنگی داشتند و مراکز شهری در عمل خاص قشر ممتاز خارجی بود و فقط کارگرانی که برای خدمت در کارهای سطح پایین مثل نظافت و نگهداری از بناها و امثال آن لازم بودند، از الجزایری‌ها انتخاب می‌شدند. در طول جنگ‌های سال ۶۲-۵۴ به زحمت ۱۸٪ از جمعیت شهرها الجزایری بودند.

برخلاف جنگ‌های کلاسیک که در آن‌ها شهرها به دلیل وجود مراکز اقتصادی و صنعتی و کارخانه‌ها و نیز به این دلیل که مرکز سیاسی و اداری هم محسوب می‌شوند، مورد حمله قرار می‌گیرند، در جنگ‌های چریکی وضع دیگری حکمفرماست. در جنگ‌های کلاسیک مردم شهرنشین گاهی برای دستیابی به

امنیت به مناطق روستایی پناه می‌برند در حالی که جنگ‌های چریکی، اساساً در بستر مناطق روستایی شکل می‌گیرد و رشد می‌کند. این واقعیت تأثیرات بسیار شدیدی بر ترکیب جمعیت و اوضاع اقتصادی مناطق روستایی الجزایر در طی دوران جنگ‌های ۶۲-۵۴ گذاشت.

فرانسوی‌ها دست به کار تخریب و نابودی روستاها و ریشه کن کردن روستاییان شدند تا به این ترتیب بر حمایشی که از استقلال طلبان می‌کردند ضربه وارد کنند. در این مقطع، بالغ بر دو میلیون نفر روستایی از سرزمین‌های خود به اجبار رانده شدند و در سکونتگاه‌های اجباری (REGROUPEMENT CENTERS) استقرار یافتند.

این مراکز جدید "تجمعی" در حقیقت جدا از روستاهای اصلی بودند و در مناطق جدیدی ایجاد شدند، برای سهولت کنترل جمعیت روستا که حامیان مبارزین بودند تشکیل می‌شدند. با جدا کردن روستاییان از محیط اصلی و زاد و بومشان در مراکزی که فی الواقع نوعی اردوگاه اجباری محسوب می‌شد کنترل رفت و آمد آن‌ها توسط نیروهای نظامی بسیار سهلتر و امکانات ساکنین برای هرگونه حمایت از مبارزین تقریباً منتهی می‌شد.

ترک سرزمین در عمل باعث نابودی زمین‌ها و مزارع می‌شد. رها کردن زمین خود به خود ضامن تخریب آن بود، علاوه بر آن، گاه نیز مزارع با بمب‌های ناپالم به آتش کشیده می‌شدند.

در طول هشت سال جنگ و مبارزه، فرانسوی‌ها بالغ بر دو هزار و سیصد (۱) مرکز تجمع اجباری ایجاد

کرده بودند. آنان همچنین چند صد روستای تازه نیز در مناطق زرخیز شمال کشور احداث نمودند که عمدتاً در خدمت بخش استعماری اقتصاد دوگانه الجزایر بود. در مراکز اجباری مذکور بالغ بر ۲/۴ میلیون نفر روستایی اسکان داده شده بودند. علاوه بر آن حدود نیم میلیون نفر از روستاییان نیز وادار به مهاجرت به کشورهای همسایه، مراکش و تونس شدند. در این مقطع میلیون‌ها نفر نیز از روستاها به شهرها پناه آوردند و در زاغه‌ها و آلوئک‌ها در حاشیه شهرها در شرایط ناخوشایند زندگی می‌کردند. به این ترتیب خصوصاً طی هشت سال مبارزه تمامی بستر تولیدی و نیروی انسانی کشاورزی الجزایر به شدت آسیب دید. در این دوران بالغ بر هشت هزار روستای الجزایری توسط فرانسوی‌ها کاملاً نابود شد.

پیروزی انقلاب در سال ۱۹۶۲:

وقتی در سال ۱۹۶۲ فرانسوی‌ها آتش‌بس را پذیرفتند و تصمیم به ترک مستعمره خود گرفتند عزم خود را جزم کردند، تا آنجا که می‌توانند منابع و امکانات کشور را به گونه‌ای نابود کنند که امکان احیای مجدد



بخش کشاورزی پس از انقلاب :

توجه دولت به روستاها در این مقطع، عمدتاً به دلیل حرکت بی رویه جمعیت از روستاها به شهرها یعنی جایی که سرمایه گذاری‌های صنعتی انجام می‌شود، معطوف بوده این جمعیت غالباً در حاشیه شهرها و در زاغه‌ها و آلودگی‌ها زندگی مصیبت باری را می‌گذرانند.

الجزایر از نظر زمین مناسب کشاورزی وضع کاملاً ویژه‌ای دارد. از مجموع ۲۳۷ میلیون هکتار زمین آن فقط ۳٪ برای کشاورزی مناسب است و به خاطر فرسایش مستمر خاک، سرانه زمین مناسب کشاورزی در سال ۱۹۸۷ به حدود ۰/۵ هکتار و مطابق پیش‌بینی‌هایی که به عمل آمده برای سال ۹۰ به ۰/۲۵ هکتار می‌رسد.

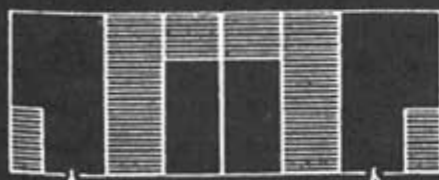
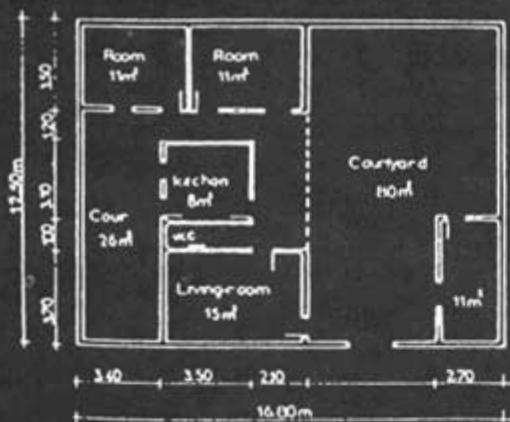
تا پیش از پیروزی انقلاب، عمده زمین‌های مرغوب کشاورزی در اختیار فرانسوی‌ها بود. پس از ترک فرانسوی‌ها و توزیع زمین بین دهقان‌های فاقد زمین به تدریج وضع این‌گروه با روستاییانی که در مناطق دور افتاده و به صورت پراکنده می‌زیستند اختلاف چشمگیری پیدا کرد.

یکی از اهداف و شعارهای مهم اصلاحات ارضی عبارت بود از :

زمین متعلق به کسانی است که بر روی آن کار

پس از پیروزی استقلال طلبان در سال ۱۹۶۲ کشور با مشکلات متعددی روبه رو شد. همانند بسیاری از دیگر انقلاب‌های سوسیالیستی بلافاصله بعد از انقلاب اولویت به بخش صنعت داده شد و عمده سرمایه گذاری‌ها در مناطق شهری انجام شد. به این ترتیب بخش کشاورزی کمتر مورد توجه قرار گرفت. در ماه نوامبر ۱۹۷۱ اصول اصلاحات ارضی الجزایر توسط رئیس دولت وقت اعلام شد. بر اساس این مصوبه مجموعه‌ای از اقدامات به هم پیوسته‌ای برای تحول ساختار بخش کشاورزی پیش‌بینی شده بود. به این ترتیب زمین مالکین بزرگ مصادره و مالکینی که غایب بودند نیز زمین‌هاشان ملکی اعلام شد. در همین چارچوب، زمین‌های مصادره شده بین دهقان‌های بدون زمین توزیع شد و اتحادیه‌های کشاورزی و تعاونی‌های تولیدی کشاورزی مرکب از دهقان‌هایی که اخیراً صاحب زمین شده بودند تشکیل شد. اهداف برنامه اصلاحات ارضی به طور کلی عبارت بود از: مدرنیزه کردن کشاورزی - افزایش درآمد روستاها و ایجاد یک‌هزار روستای سوسیالیستی.

آن‌ها نباشد. چه بسا این کشور پس از سی سال هنوز هم مبتلا به معضلاتی است که بیش از یکصدوسی سال استعمار فرانسه به میراث گذاشته است. با تصمیم فرانسوی‌ها بر ترک الجزایر بالغ بر نهصد هزار نفر خارجی در طی چند ماه کشور را رها کردند و به سرزمین‌های خود برگشتند. در میان این جمع سی و سی هزار مدیر شرکت، پانزده هزار مدیر عالی‌رتبه، سی و پنج هزار کارگر ماهر و حدود دویست هزار نفر کسانی بودند که برای انجام کار، نوعی آموزش یا کارآموزی پیشرفته دیده بودند. بیرون بردن نیروی تخصصی و سرمایه‌ها از بخش کشاورزی و صنعت می‌تواند تا حدودی تصویری از شرایطی را که دولت پس از انقلاب با آن روبه رو بوده است ترسیم نماید. با ترک فرانسوی‌ها تنها در الجزیره بالغ بر یکصد و دو هزار خانه و حدود دوازده هزار ساختمان گوناگون اداری و خدماتی خالی ماند و به دست دولت انقلابی افتاد. نحوه نگهداری و توزیع این بناها برای دولت کم تجربه و تازه کار معضلات بسیاری آفرید و این مجموعه که می‌توانست تا حدودی پاسخگوی بخشی از نیازهای مکن شهری باشد عملاً و به سرعت روبه نابودی گذاشت.



روستای آئورس - المهدا - (استان لوران) مأخذ: منصورى

می‌کنند. منابع و امکانات کشاورزی باید به طور معقول توزیع شود. اشتغال انسان به وسیله انسان، باید کنار گذاشته شده در جهت تحقق اهداف اصلاحات ارضی، زمین‌های مصادره‌ای به قطعات پنج تا چهل و پنج هکتاری تقسیم شد و در اختیار خانواده‌ها قرار گرفت. همچنین بهره‌برداری از مراتع، محدود به دو بیست و بیست گوسفند برای هر خانواده گردید، همچنین تعداد کل نخل‌هایی که هر خانواده می‌توانست مالک آن باشد نیز محدود اعلام شد.

نگاهی به وضعیت بودجه بخش کشاورزی در برنامه‌های بعد از انقلاب و مقایسه آن با بخش صنعت جایگاهی را که دولت انقلاب برای این بخش پیش‌بینی کرده بود، نشان می‌دهد.

در برنامه سه ساله اول، بالغ بر ۵۰٪ از سرمایه‌گذاری دولتی صرف بخش صنعت شد، در حالی که بخش کشاورزی به زحمت ۱۷٪ از بودجه رای به خود اختصاص داده بود. در اولین برنامه چهار ساله (۷۳-۱۹۷۰) وضع کمابیش مطابق برنامه سه ساله اول بود و در دومین برنامه چهار ساله (۷۷-۷۴) بخش کشاورزی سهمی در حدود ۱۱٪ داشت.

سکونتگاه‌های روستایی و مسکن روستایی:

بجاست پیش از توضیح برنامه‌ها و اقداماتی که دولت پس از انقلاب در الجزایر در خصوص مسکن روستایی به اجرا گذاشت، موقعیت و خصوصیات

زندگی در این سکونتگاه‌های اجباری که علی‌الاصول ماهیت کشاورزی و تولیدی نداشت، ادامه یافت و با افزایش جمعیت حرکت به سوی شهرها تشدید شد. براساس آماری که در سال ۱۹۶۶ توسط دولت تهیه شد، اکثر خانه‌های روستایی را ابنیه غیر مقاوم سنتی که در اصطلاح محلی "گوربیز" "GOURBIS" گفته می‌شوند، تشکیل می‌داده و یا اساساً سرپناه صرفاً چادر بوده‌است. علاوه بر آن ۳۴٪ از سرپناه‌ها مربوط به قبل از جنگ جهانی دوم بودند. براساس تحقیقی که در سال (۱۹۶۶) توسط بومازا (BOUMAZA) انجام گرفت، از حدود هشتصد هزار خانه دهقانی سرشعاری شده، حدود ۳۸٪ فقط دارای یک اتاق و

روستاها و مسکن روستایی را در سال‌های اولیه پس از انقلاب بررسی کنیم.

قبلاً نیز ذکر کردیم که فرانسوی‌ها حدود هشت هزار روستا را به عنوان بخشی از برنامه سرکوبی مبارزان استقلال طلب نابود کردند و سکنه آن‌ها را به سکونتگاه‌های اجباری تجمعی که تعداد آن‌ها به روایتی بالغ بر دوهزار و سیصد و به قول دیگر چهارهزار و هفتصد و شصت بود، منتقل نمودند. پس از انقلاب این مراکز عملاً ادامه حیات دادند. روستاییان در حالی که خانه‌هایشان در محل اصلی تخریب و زمین و باغشان نابود شده بود، غالباً امکان بازگشت به سرزمین اصلی را نداشتند. بنابراین

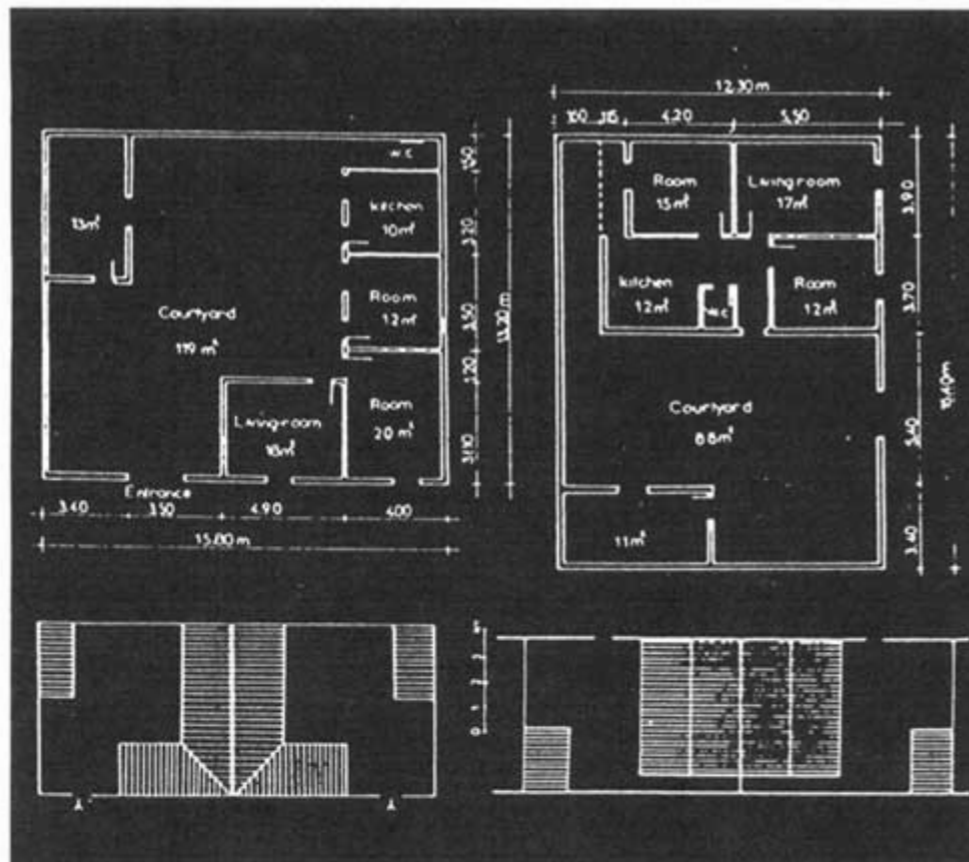
ایجاد هزار روستای سوسیالیستی :

ایجاد یکهزار روستای سوسیالیستی مهمترین اقدامی بود که در جهت تأمین سکونتگاه و مسکن روستایی پس از انقلاب برنامه‌ریزی شده بود. احداث این روستاها در اصل جزئی از برنامه اصلاحات ارضی بود که در سال ۱۹۷۱ اعلام شده بود. هدف این بود که در این روستاها در جهت بالا بردن سطح زندگی روستاییان، امکانات لازم از قبیل مدرسه، کلینیک، دفتر پست، مسجد، بازار سرپوشیده و امثال آن احداث شود.

به طور کلی ایجاد روستاها دودلیل داشت: اول، سطح پایین مسکن و خدمات در سکونتگاه‌های روستایی و ضرورت پیش بینی اقدامی در جهت رفع این مشکل و دوم، فاصله زیادی که بین زمین واگذاری از سوی دولت با محل سکونت در بافت کنندگان زمین وجود داشت.

یک بررسی آماری در سال ۱۹۷۵ نشان داد که ۲۶/۳٪ از کسانی که زمین گرفته بودند در فاصله یک کیلومتری زمین زندگی می‌کردند و ۴۶/۵٪ بین یک تا پنج کیلومتر و ۲۵/۵٪ در فاصله بیشتر از پنج کیلومتری زمین زندگی می‌کردند.

گاهی نبودن متقاضی مناسب برای دریافت زمین، دولت را وادار می‌کرد که از مناطق دیگر، کشاورزان بدون زمین را به یک منطقه جدید منتقل کند و به این ترتیب لازم بود که برای ایشان به طور همزمان سکونتگاهی نیز ایجاد شود.



جدید به مجموعه سکونتگاه‌های نجمعی که فرانسوی‌ها ایجاد کرده بودند اضافه شد. در بین سال‌های (۶۶-۱۹۶۳) یک برنامه ضربتی برای بازسازی روستاهایی که در طول جنگ آسیب دیده، یا تخریب شده بودند آغاز شد. پارهای از این بازسازی‌ها خصوصاً در مواردی که در کنار روستاهای احداثی صورت می‌گرفت، از نظر اندازه کوچک و از لحاظ نوع خانه نامناسب بودند. طراحان این روستاها غالباً اشتباهات طراحان سکونتگاه‌های نجمعی فرانسوی‌ها را تکرار کرده بودند. در بعضی از مناطق، روستاهای مورد بازسازی هیچگاه تکمیل نشد و اساساً کسی در آن‌ها سکونت نگزید.

۴۲٪ دارای دو یا حداکثر سه اتاق بودند و این در حالی بود که بسیاری از خانواده‌های روستایی جمعیتی حدود ده نفر و گاه بیشتر داشتند. تراکم جمعیت و وضعیت نامناسب سکونتگاه‌های روستایی، از بررسی‌های فوق استنباط می‌شود.

برنامه‌های دولت برای مسکن روستایی

در سال‌های اولیه پس از پیروزی استقلال طلبان در الجزایر برنامه مدون و ویژه‌ای برای مسکن روستایی وجود نداشت. در این مدت چند هسته روستایی

طبقه‌بندی سه‌گانه روستاهای سوسیالیستی:

روستاهای طراحی شده به سه دسته با سه درجه تقسیم‌بندی شده بودند: درجه یک و دو و سه. با این توضیح که روستای درجه یک کمترین امکانات را داشت و کوچکتر از بقیه بود و به ترتیب روستاهای درجه بعدی امکانات بیشتری داشتند. خصوصیات کلی این طبقه‌بندی را در جدول زیر می‌توانیم ملاحظه کنیم.

پیشرفت کار:

در مرحله اول، تصمیم بر این بود که تا سال ۱۹۷۳ تعداد یکصد روستای سوسیالیستی ساخته شود. اما تا آن زمان، فقط هفده روستا در دست ساختمان بود و در اوایل سال ۱۹۷۵ تعداد بیست روستا تکمیل شده بود، و تا سال ۱۹۷۷ این تعداد به پنجاه و هشت روستا رسید و بالاخره تا سال ۱۹۷۹ مجموعاً یکصد و بیست روستای سوسیالیستی در الجزایر ساخته شد.

عوامل عمده تأخیر در اجرای این روستاها را کمبود نیروی کار متخصص، کمبود مصالح ساختمانی از جمله سیمان، کمبود ابزار کار و همچنین کوتاهی و ناتوانی مدیران و مقامات محلی در راه‌اندازی و اجرای طرح‌های عمرانی مذکور دانسته‌اند. همچنین، مهمترین عامل، ناتوانی دولت در تخصیص بودجه لازم برای تأمین به موقع هزینه‌های اجرایی این طرح‌ها ذکر شده است.

در حالی که اجرای این پروژه‌ها از هیجده تا سی ماه طول می‌کشید، افزایش قیمت‌ها از حدود بیست‌هزار دینار الجزایری برای یک خانه روستایی در سال ۷۳ به حدود پنجاه‌هزار دینار در سال ۷۶ و هفتاد تا هشتاد هزار دینار در سال ۷۹، هزینه اجرایی یک روستای درجه یک را که پنج و نیم میلیون دینار در سال ۱۹۷۵ برآورد شده بود به پانزده تا بیست میلیون دینار برای سال ۷۹ افزایش داد و عملاً تحقق شعار اولیه یک‌هزار روستا را غیر واقعی نمود.

خصوصیات معماری و ساختمانی روستاهای سوسیالیستی:

چون طراحی روستاهای سوسیالیستی به صورت متمرکز انجام می‌گرفت، کمترین توجهی به ویژگی‌های معماری بومی و یا خواسته‌ها و انتظارات ساکنین آنی این مجموعه‌ها صورت نگرفت. به طور کلی طرح مجموعه‌ها سیمایی هندسی و شطرنجی داشت. طرح واحدهای مسکونی کاملاً مشابه و دریافت تکرار شده بود، بنابراین، مجموعه سیمایی یکسان و یکدست پیدا می‌کرد. غالباً خیابان‌های وسیع

مناسب با رفت و آمد ماشین برای این مجموعه‌ها پیش‌بینی شده بود. یکی از اهداف برنامه، بالا بردن سطح بهداشت روستاها بود و به همین دلیل امکان ایجاد فضای مخصوص دام، مانند آغل و بهاریند و یا مرغدانی که به طور سنتی جزء لاینفک زندگی روستاییان است پیش‌بینی نشده بود و طرح خانه‌ها مجموعه‌ای از چند اتاق و آشپزخانه و توالت بود. در بعضی از طرح‌های متأخر، حیاط با وسعت تقریبی سیصد متر مربع پیش‌بینی شده که در طرح‌های اولیه اساساً وجود نداشت. از دیگر ویژگی‌های طرح‌ها، محدودیت و یا عدم پیش‌بینی

جدول (۱): گونه‌شناسی سلسله مراتبی روستاهای سوسیالیستی (ص ۲۵۰ متع ۳).

گونه (۱)	گونه (۲)	گونه (۳)
تعداد خانه‌ها ۱۰۰-۲۰۰	۲۵۰-۳۰۰	۴۰۰-۷۰۰
جمعیت ۷۰۰-۱۲۰۰	۱۷۵۰-۲۲۵۰	۲۸۰۰-۴۹۰۰
امکانات آموزشی ۶ کلاس	۱۲ کلاس	مدرسه به اضافه یک کالج
امکانات اجتماعی فرهنگی زمین ورزش چندمنظوره	زمین ورزش چندمنظوره	زمین ورزش چندمنظوره به اضافه سرویس‌های ویژه شامل حمام‌ها، کافه، هتل، رستوران و بازار.
خدمات اداری دفتر شعبه دولت محلی	دفتر شعبه دولت محلی + دفتر پست	نالار شهر به اضافه پست‌خانه و کلاتری و بانک.
خدمات فنی -	پمپ‌بزن - کشاورزی	مانند قبل به اضافه خدمات تعاونی‌ها
فعالیت‌های دیگر -	ساختمان‌های تعاونی‌ها	مانند اینیات - نگهداری نهال‌ها. صنایع تولیدی محصولات کشاورزی.
فاصله از آب محل کار ۲-۳ کیلومتر	۲-۳ کیلومتر	۲-۳ کیلومتر
تجهیزات تعاونی ۱-۲ کیلومتر	۱-۲ کیلومتر	۱-۲ کیلومتر
مرکز بعدی درجه بالاتر ۲-۴ کیلومتر	۱۰-۸ کیلومتر	۸-۱۰ کیلومتر

متأسفانه نتیجه کار به دلیل عدم تناسب این گونه بناها با هوای گرم محل، رضایت بخش نبود.

از نظر تراکم جمعیت در اتاق، در روستاهای سوسیالیستی، سرانه اشغال فضا به ۲/۴۵ نفر در هر اتاق می‌رسید، که برای کل الجزایر در سال ۱۹۶۶ به ۳ و در سال ۱۹۸۶ به ۳/۲ نفر در اتاق رسیده بود. نرخ اشغال اتاق‌ها در بعضی از روستاهای سوسیالیستی به ۳/۵۲ نفر نیز رسید. علاوه بر آن، اندازه زیربنای اتاقها از ۴۵/۵ مترمربع در روستاهای قدیمی‌تر به ۳۷ مترمربع در روستاهای جدید کاهش یافت.

ارزیابی روستاهای سوسیالیستی :

۱- امروزه تأثیرات روستاهای سوسیالیستی در مقیاس کلی بسیار کم و محدود است. با حدود یکهزارو شصت خانوار یا حدود یکصد هزار نفر که

مصالح ساختمانی :

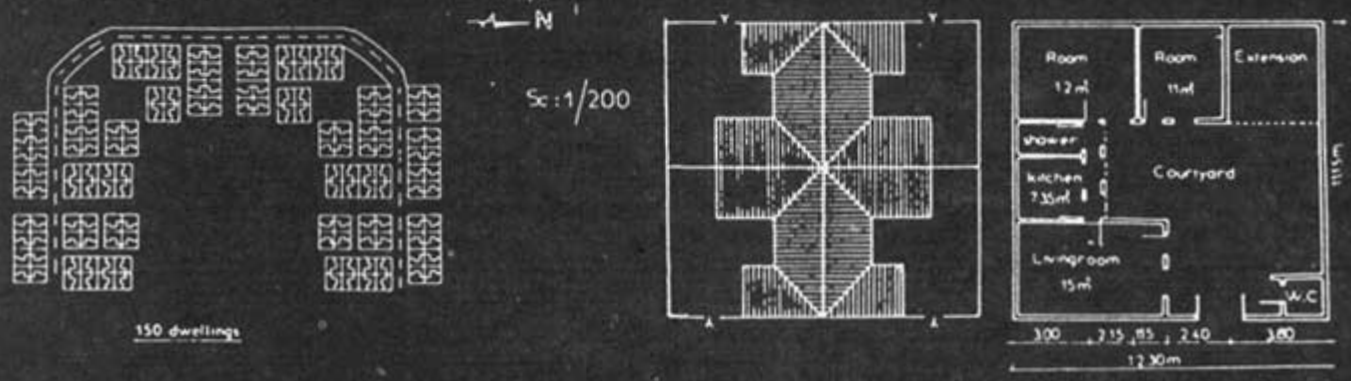
چه در مناطق گرم و بیابانی در صحرا و چه در منطقه گرم و مرطوب در شمال الجزایر، کمترین توجهی به ویژگی مصالح بومی ساختمان نشد و برای دیوارها از بلوک‌های سیمانی استفاده کردند. پوشش سقف‌ها می‌توانست متفاوت باشد. در بعضی از مناطق از تایل‌ها برای پوشش سقف‌های شیبدار استفاده شد که البته مشکل نیاز به مفادیر زیادی چوب برای ساخت خراباها را داشت. در مناطق دیگر از دال‌های بتن مسلح برای پوشش سقف‌ها استفاده کردند که

امکان توسعه فضایی در سطح و یا در ارتفاع بود. از نظر خدمات عمومی همه روستاییان از آب و برق بهره‌مند بودند. علاوه بر آن، اکثریت آن‌ها به امکانات حمل و نقل عمومی دسترسی داشتند. ابعاد فضای خانه‌ها به شرح زیر پیش‌بینی شده بود:

آشپزخانه	۵.۹ مترمربع
رختشویخانه	۸ مترمربع
اتاق‌ها	۱۰-۱۴ مترمربع
اتاق نشیمن	۱۶-۲۰ مترمربع
حیاط داخلی یا خارجی	۳۰-۵۰ مترمربع

نمونه‌های دیگری از طرح روستاهای سوسیالیستی (دبیلآ آفادو) مآخذ : منصورى

Other examples of the socialist villages design (Debila Agfadou).



از پایان سال ۱۹۷۸ در آن‌ها ساکن هستند این جمعیت با تکمیل سیصد روستا می‌تواند به چهارصد و پنجاه هزار نفر برسد. این در مجموع رقمی حدود ۵٪ کل جمعیت روستایی را شامل می‌شود که در صورت اجرای هر یک هزار روستایی (که از آغاز شعار آن داده شده بود و بعید به نظر می‌رسد بتوان آن‌ها را تکمیل نمود) کل ساکنین به ۱۵٪ جمعیت روستایی الجزایر خواهد رسید.

۲- یکی از مشکلات موجود، ناهماهنگی شرایط آب، زمین، میزان تولید و در نتیجه میزان درآمد در روستاهای سوسالیستی مختلف است، چراکه نوعی مقایسه از سوی ساکنین این روستاها انجام می‌گیرد و به گونه‌ای ایجاد عدم رضایت می‌کند.

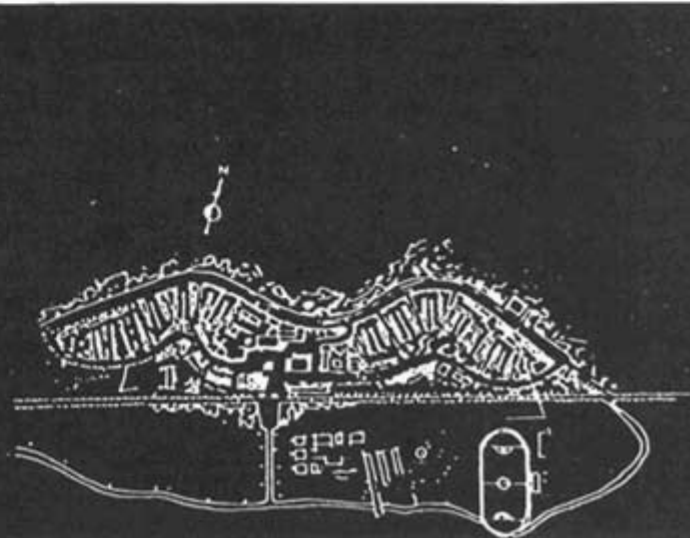
۳- روستاهای سوسالیستی، سیمایی شهری دارند. طرح هندسی و شطرنجی آن‌ها - تراکم خانه‌ها موجب این اعتراض شده است که چگونه دولت انقلابی که در جای دیگر، شعار ضرورت حمایت از معماری بومی و سنتی را می‌دهد، در قالب این روستاها، این موضوع را فراموش کرده است.

۴- از نظر پراکندگی، روستاهای جدید الاحداث عمدتاً در زمین‌هایی که اصلاحات ارضی در آن‌ها انجام شده بود مستقر شدند و در اختیار تعاونی‌های تولیدی دهقانی قرار گرفتند. بنابراین روستاهای پراکنده و دور افتاده از این امکان محروم ماندند. در سال ۱۹۸۷ حدود ۹۳٪ از این روستاها در شمال کشور مستقر بودند. همچنین دیده شد که بسیاری از

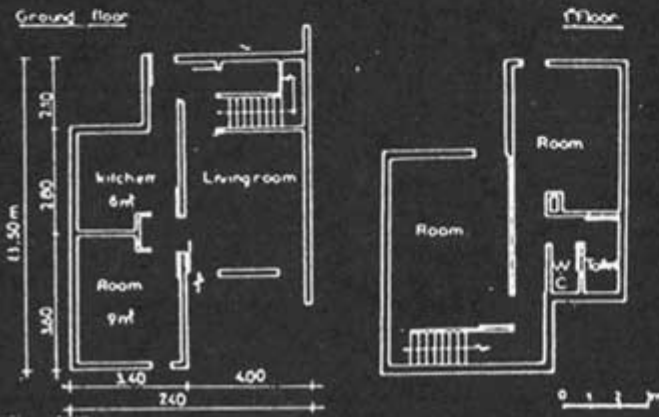
این روستاها در نزدیکی شهرها و در کنار جاده‌ها استقرار یافتند تا امکان استفاده از خدمات و تأسیسات زیربنایی مانند برق، آب، تلفن و راه برای ایشان راحت‌تر فراهم شود. در عمل شهرهای صنعتی زندگی اقتصادی این روستاها را تحت تأثیر قرار دادند و بسیاری از ساکنین آن‌ها به جای کشاورزی به کارگری در شهر پرداخته و به طور غیرقانونی به لحاظ تعهدی که برای کار در بخش کشاورزی داشتند به اسکان خود در روستا ادامه دادند.

دیده دلیل ضرورت سفر هر روزه بین زمین کشاورزی و خانه و مشکلات آن و پاره‌ای دلایل دیگر، تعداد قابل توجهی از کسانی که زمین گرفته بودند، تعاونی‌های تولیدی خود را ترک کردند و به

روستای سوسالیستی کتار - پلان عمومی روستا



روستای سوسالیستی کتار - پلان تپ خانه های نوع (A) مآخذ معموری



گاهی بچه‌ها به خیل مهاجرین به شهرها می‌پیوستند. خصوصاً در روستاهایی که در نزدیکی مناطق صنعتی قرار داشتند چنین وضعیتی بیشتر به چشم می‌خورد.

۱۰- کلمات سحرآمیز و سخنرانی‌های سیاسی ریشه عمده بدبختی‌های اجتماعی بودند. وعده‌هایی که در زمان انقلاب الجزایر در زمینه روستاهای سوسیالیستی داده شده بود عملاً اعتبار دولت را مخدوش کرد و محدودیت قدرت واقعی سیاستمداران را نشان داد.

۱۱- برای یک روستایی، مسکن و کار با یکدیگر ارتباط نزدیک دارند، جدا کردن اجباری این دو از یکدیگر اشتباه بود.

از زمین‌های دولتی شده بهره‌مند شدند، تا دسامبر ۱۹۷۸ فقط روستاهایی با پانزده هزار و هشتصد و هفتاد و یک خانه از پنجاه و هفت هزار و هفتصد و چهل و دو خانه‌ای که در برنامه پیش‌بینی شده بود ساخته شد و در نتیجه روستاییان در مسکن قبلی خود ساکن شدند و مسافت زیادی راه‌همه روزه رفت و آمد می‌کردند.

۹- نکته بسیار مهم در ایجاد روستاهای سوسیالیستی این فرض بود که بر روند حرکت جمعیت روستا به شهرها تأثیر مثبت بگذارد و آن را کنترل کند. در حالی که با گسترش آموزش در این روستاها، از طریق مفاد دروس به نحو غیرمستقیم به روستاییان جاذبه‌های شهر و زندگی شهری القاء می‌شد و حتی

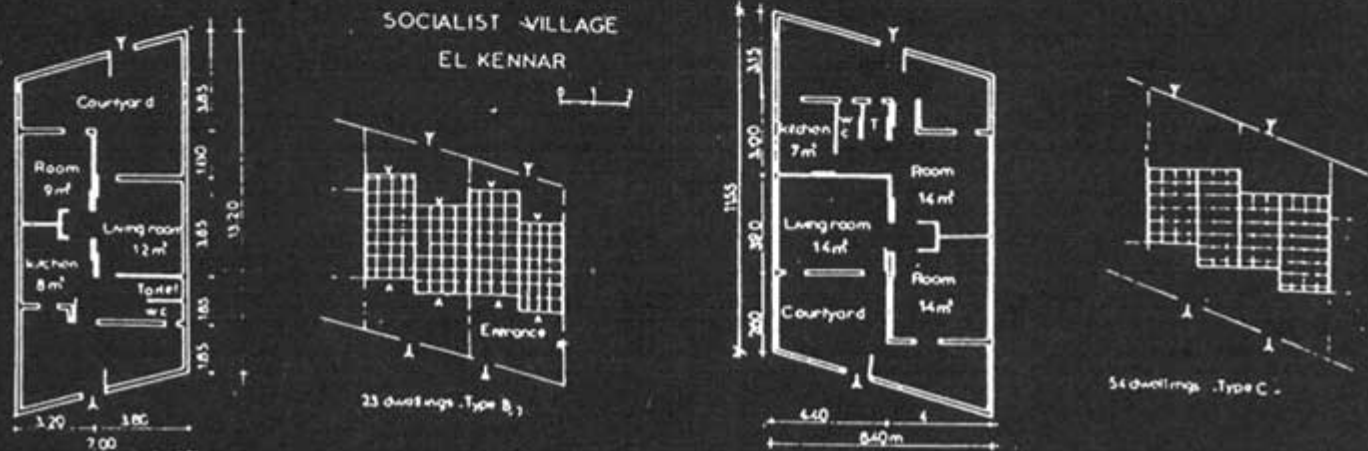
عنوان کارگر در صنایع شهری اشتغال یافتند. ترک زمین بین ۳۰ تا ۵۱٪ در بعضی از روستاها در سال‌های اولیه اصلاحات ارضی دیده شده است.

۶- جدای از مشکلات، روستاهای تکمیل شده سوسیالیستی از نظر ظاهری بسیار تأثیرگذار هستند و غالباً برای تبلیغ سیاسی در وسایل ارتباط جمعی نشان داده می‌شوند.

۷- در مواردی، خدمات عرضه شده در روستا باعث شده است که از مناطق اطراف جماعت زیادی به قصد بهره‌برداری به روستا جلب شوند و عملاً روستا مقیاس شهری پیدا کرده و دچار رشد بی‌رویه شده و به تدریج هویت روستایی خود را از دست داده است.

۸- در مقایسه با یکصدویست و هفت هزار نفری که

روستای سوسیالیستی کنار - پلان خانه‌های تیپ B و C ماخذ: تصویری



ارزیابی نظریات ساکنین روستاها :

۱- در تحقیقی که از دوهزار و سیصد و هفتاد خانه در روستاهای سوسالیستی به صورت نظر سنجی انجام گرفت و در حالی که همگی در مرحله اول اصلاحات ارضی درگیر بودند، در مورد اندازه روستای ایده‌آل ۷۱٪، روستایی را که کمتر از بیست خانه داشته باشد ترجیح دادند و ۲۹٪، خانه‌هایی را که پراکنده و جدا و به دور از یکدیگر باشد، می‌پسندیدند. همچنین ۸۵٪ از کسانی که از زمین‌های دولتی شده سهم گرفته بودند می‌خواستند که خانه جدید در محل خانه قبلی خودشان باشد. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که فردگرایی شدید در بین روستاییان وجود داشته و علی‌القاعده از تجمع با یکدیگر در یک قالب اجباری راضی نبوده‌اند.

۲- نآشنایی اهالی با مصالح جدید ساختمان و احتمالاً انتخاب نامناسب آن‌ها با شرایط اقلیمی، باعث شده بود که حتی گاهی برای فرار از حرارت کشنده داخل این ساختمان‌ها، خانواده جای خودشان را با گاوشان عوض کنند و گاو را در ساختمان بتنی قرار دهند و خود به سوتاهی که از شاخ و برگ درختان درست شده بود پناه ببرند.

۳- بررسی میزان رضایت اهالی، نتایج مختلفی داشته با این حال غالباً اظهار کرده‌اند که در کنار خانه‌ها یک آغل و یک مرغدانی داشته باشند.

۴- دسترسی به خدمات و سرویس‌های عمومی آموزشی و بهداشتی و اداری از نظر روستاییان امتیاز بزرگی محسوب نشده است اما از نداشتن اجازه اضافه کردن به ساختمان اظهار عدم رضایت کرده‌اند.

۵- میزان رضایت روستاییان به موقعیت قبلی آن‌ها در روستا نیز بستگی داشته است. مثلاً کارگران کشاورزی قبلی با دریافت زمین در روستای جدید وضع بهتری دارند در حالی که در مورد خرده مالکین قبلی وضع چنین نیست.

فهرست منابع :

۶- در پاسخ به سؤال آمادگی برای مشارکت در ساخت روستا، ۴۱٪ از ساکنین علاقمند بودند که شخصاً در کارهای ساختمانی خانه خویش مشارکت کنند. اما تعداد بسیار ناچیزی برای مشارکت در کلی روستا اظهار علاقه کرده‌اند.

۷- محدودیت روستاییان به اضافه کردن بنا، مشابه بودن طرح و اندازه خانه‌ها علیرغم تنوع جمعیت خانوار روستایی و به طور کلی کم بودن تعداد اتاق‌ها برای خانواده‌های غالباً پرجمعیت گاه تا چهارده نفر از مشکلات اظهار شده است.

۸- توجهی به مطالعه خانه‌های سنتی از سوی معماران و مدیران درگیر در برنامه روستاهای سوسالیستی وجود نداشته است.

۹- احداث خیابان‌های عریض در محلی که اساساً روستاییان فاقد خودرو بودند بی‌فایده بود.

۱۰- گاهی خانه‌ها در دو طبقه ساخته شده بودند که هیچگونه شباهتی با الگوهای سنتی نداشت و روستاییان با مشکل بهره‌برداری از آن‌ها مواجه شدند.

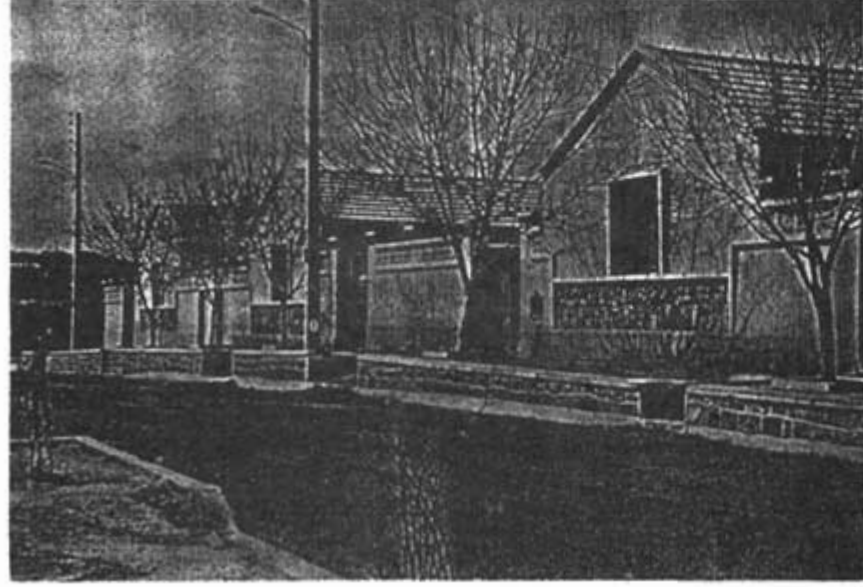
۱۱- ساختمان‌ها دارای شکستگی‌ها و فرورفتگی‌های متعددی بود که هزینه اجرا و نوسازی را پیموده افزایش می‌داد.

۱۲- عدم تناسب خانه‌ها با ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی و دینی ساکنین آن از دیگر مشکلات گزارش شده است.

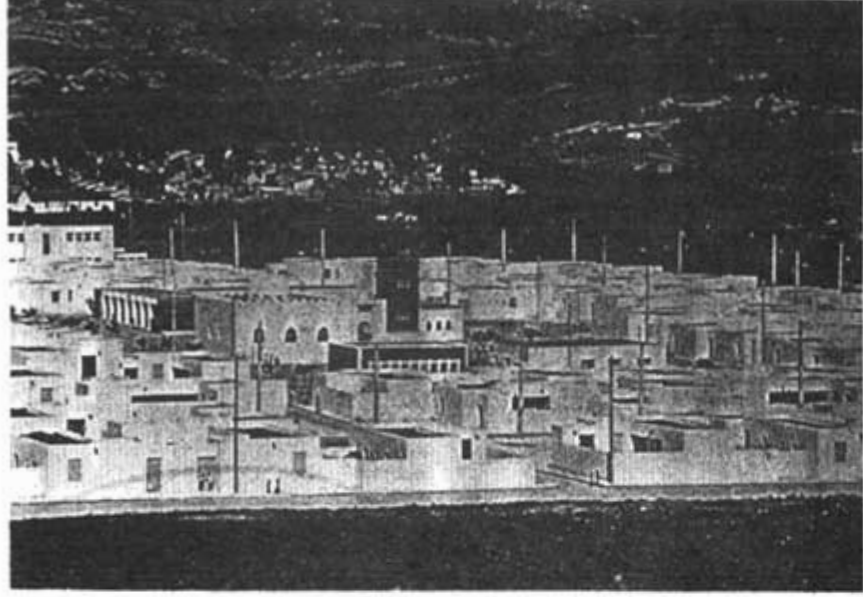
1 - Mansouri, Ali (1987), "Rural Housing in Algeria, with reference to Zeribet, EL-Oued", Mphil dissertation Institute of Advanced Architectural Studies, University of York.

2- Sutton Keith (1982), the Socialist Villages of Algeriain : The Third World planning Review Vol. 4 No. 3 pp (247-264)

3- Djaffar Lesbet, (1990), Algeria,in, "Housing Policies in the Socialist Third World" pp(249-274), Edited by Kosta Mathey profil verlag, uncherm Mansell.



روستای آئروس - المیدا - منظره خانه‌ها در کنار خیابان در یک روستای سوسیالیستی که با استاندارد بالایی ساخته شده‌اند و همسایه از نظر طرح آرنوایی به نظر می‌رسند.



روستای سوسیالیستی امیرمهدیانشهر تشکیل شده است از خانه‌های یک طبقه با حیاط که اطراف آن با دیوار محصور شده است و تناسب بیشتری با ارزش‌های اجتماعی نروئگی اسلامی دارد. ساختمان‌های بزرگتر شامل مسجد - مدرسه و مجموعه چند مغازه است. به سکوئنگاه نهمی در زمینه مکتبی توجه کنید. (را بخوانید در دو مکتب: ۱ سابق)

